

## فاشیسم و مردم کردستان کجا مر جبا؟!



آسو سهامی

در حالیکه مردم متمدن جهان علیه نسل کشی مردم فلسطین به میدان آمده اند و خواستار توقف جنایتهای دولت اسرائیل هستند و دادگاه لاهه حکم دستگیری سران دولت فاشیست اسرائیل به جرم جنایت و نسل کشی در فلسطین را صادر کرده است، وزیر امور خارجه اسرائیل خواستار تقویت روابط با گُردها و اقلیت‌های قومی در خاورمیانه شده و همین امر موجی از شادی و شعف را در میان جریانات ناسیونالیست کردی پدید آورده است. گیدئون ساعر، وزیر امور خارجه جدید اسرائیل به مناسبت شروع به کارش در پیامی خواستار تقویت روابط با گُردها، دروزی‌ها، و اقلیت‌های قومی در خاورمیانه شد. به باور ساعر، تقویت روابط اسرائیل با گُردها از جنبه «سیاسی و امنیتی» «حائز اهمیت است. اما چه شده است که دولت فاشیست اسرائیل در این شرایط به یاد مردم کردستان افتاده است و در واقع پیامشان رو به چه کسانیست؟ حداقل طی یکسال گذشته نسل‌کشی مداوم فلسطینیان توسط ماشین

صفحه ۳

## انتخابات در کرستان عراق و

### شادباش حزب دمکرات



محمد راستی

اخیرا انتخابات مجلس در کردستان عراق برگزار شد و طبق معمول احزاب مسلح حاکم بار دیگر خود را بر سرنوشت مردم تحمیل کردند. حزب دمکرات کردستان ایران به این مناسبت پیامی منتشر کرده. متن پیام ضمیمه است.

در بخشی از این پیام آمده است، «حائز اهمیت و مثبت بودن این انتخابات در این است که توسعه سیاسی و تلاش‌ها برای نهادینه کردن مبانی دموکراسی در اقلیم کردستان بیش از پیش ثمربخش بوده و مردم آزادانه برای تعیین سرنوشت خود مشارکت دارند. آن هم در شرایطی که برخی از کشورهای منطقه - به ویژه در ایران - نه انتخابات معیارها و ویژگیهای دموکراسی را داشته و نه اجازه به حضور آزادانه احزاب و جریانات سیاسی در انتخابات داده می‌شود و نه مردم در تعیین سرنوشت خود آزاد می‌باشند.»

صفحه ۲

## بازی با کارت "مسئله گُرد" در تخاصمات دول منطقه



مصاحبه نشریه نیئا با خالد حاج محمدی

۲۶ نوامبر ۲۰۲۴

**نیئا:** دوره اخیر يك بار دیگر، در دل تخاصمات منطقه ای و خصوصا تشدید تخاصمات دو دولت اسرائیل و ایران، مسئله ستمگری بر مردم گُرد زبان و کلا مسئله ای که تاریخا به عنوان مسئله گُرد از آن اسم می‌برند، مورد بحث محافل سیاسی خصوصا در جنبش ناسیونالیستی گُرد چه در سطح ایران و چه در سطح منطقه و همچنین بعضی از دول منطقه قرار گرفته است. بعلاوه اخیرا در ترکیه هم رابطه دولت ترکیه و پ ک ک يك بار دیگر و در دل آن مسئله گُرد به بحث رسانه های رسمی تبدیل شده است. در سوریه نیز کم و بیش سرانجام این مسئله و آینده نیروهای ناسیونالیسم گُرد در دل کشمکشهای دول مختلف در سوریه مورد بحث است. به همین دلیل سوالاتی را در این خصوص با خالد حاج محمدی در میان می‌گذاریم.

صفحه ۶

## جنایات دولت ترکیه به بهانه جنگ با پ ک ک



احمد مطلق

کمی بیشتر از یک ماه است دولت فاشیست و جنایت کار ترکیه در پی حمله به مقر صنایع هوا فضای این کشور در انکارا که پنج کشته و ۲۲ زخمی بر جای گذاشت، حملات خود را به مناطق تحت کنترل احزاب "کرد"ها در شمال شرق سوریه و اقلیم کردستان عراق تشدید کرده و صد ها حمله هوایی و حتی تحرکات زمینی گزارش شده است. حملات ارتش و نیروی هوایی ترکیه بخش های وسیعی از شمال شرقی سوریه و همچنین کوه های قندیل و منطقه ایزدی نشین سنگال در شمال عراق تحت تاثیر قرار داده است، مرکز شهر کوبانی، منبج، تل رفعت و تل تمیر بمباران شده و حتی انفجارهایی در شهر قامیشلو نیز گزارش شده است و دهها نفر از مردم بیگناه قربانی شده اند یعنی تمامی منطقه مرزی بین مناطق تحت کنترل نیروهای کرد

صفحه ۵

ادامه انتخابات در کردستان عراق و.....

## دمکراسی مورد نظر حزب دمکرات

نکات اصلی این پیام حزب دمکرات را باید در بین سطور آن جستجو کرد و نشان داد. آنچه که حزب دمکرات در این پیام تلاش می‌کند به مردم کردستان چه در ایران و چه در کردستان عراق بفروشد آرزو و امیال واقعی خود این حزب و جنبش کردایی در ایران هم هست که این حزب جریان اصلی آن است. این امیال چیزی جز سهم خواهی از قدرت نیست. این افق و آرمان همه احزاب و گروه‌های ناسیونالیستی در منطقه است. دمکراسی آنها نیز اسم رمز این شراکت در قدرت است که با پرچم "مسئله کرد" تحت نام خودمختاری، خودگرانی و استقلال از جانب شعبات مختلف ناسیونالیست کرد در ایران و عراق و ترکیه و سوریه دنبال شده است. اگر جمهوری اسلامی این نیاز حزب دمکرات را تامین کند، این حزب و دمکراسی مد نظر او در ایران تامین است. مردم کردستان و ستم بر آنان و حق کرد چیزی جز پرچم سیاسی برای فریب مردم کرد زبان و تحریک احساسات ناسیونالیستی و عقب مانده برای تبدیل آنان به سرباز حزب دمکرات جهت فاش به حاکمیت برای قبول حزب دمکرات نیست. این هف زمانی که از جانب دولت مرکزی توافق نمیشود، حزب دمکرات و بقیه گروه‌های ناسیونالیستی به تخاصمات دول مرتجع با ایران امید بسته اند و روزی با عربستان و روزی آمریکا و اسرائیل و.. وارد معامله و بند و بست میشوند. احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق در چهارچوبی فدرالیستی به امیال خود رسیده اند و در قدرت حاکم بر مردم عراق سهیم هستند. در این انتخابات حزب متحد حزب دمکرات ایران (جریان بارزانی) در مقابل بقیه پیروز شده است و تعداد کرسی های بیشتری در پارلمان را احراز کرده است و همین میانه شور و شعف حزب دمکرات کردستان ایران است.

حزب دمکرات شیفته برگزاری این انتخابات و نتایج آن شده و مراتب مسرت و شادمانی اش را از این دمکراسی و آزادی که احزاب حاکم تنها بعد از شش بار انتخابات در مدت ۳۰ سال داشته اند ابراز می‌کند. سهم این انتخابات و نتایج آن برای اکثریت مردم کردستان عراق بنا به تجربه، در این ۳۰ سال فقط فقر و بیکاری و بی معیشتی و نبود حداقل استانداردهای زندگی، زن ستیزی و بی حقوقی کامل برای زنان، استثمار وحشیانه طبقه کارگر زیر حاکمیت احزاب خواهر حزب دمکرات بوده است. حزب دمکرات اما آرزوی چنین دمکراسی و سناریویی برای مردم کردستان ایران را دارد ..

حزب دمکرات می‌داند که چه می‌گوید، حتی مهم نیست که در دو سال گذشته احزاب حاکم در کردستان عراق در همکاری همه جانبه با دولت ایران و عراق چه بر سر خود این حزب و بقیه جریانات مخالف جمهوری اسلامی آورده اند. حزب دمکرات بسیار خونسرد تر از اینهاست که خود را آشفته کند چرا که برای این حزب و جنبشی که نمایندگی میکند تجربه حاکمیت جریانات جنبش کردایی در کردستان عراق، حرف اول را می‌زند. آرزوی این حزب در رسیدن به بخشی از آنچه در عراق اتفاق افتاده هم

هست و رضایت در این راه از سیاست های شناخته شده این حزب است.

شش دوره انتخابات در کردستان عراق یعنی بیش از ۳۰ سال حاکمیت دو حزب اصلی با رهبری عشیره ای و البته موروث می گذرد. بنا به گفته برخی از رهبران همین احزاب و بدون اغراق اکثریت مردم زحمتکش در این منطقه، وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به نسبت دوران حاکمیت دولت بعث در عراق عقب تر رفته است. نتیجه این حاکمیت با رهبری عشیره ای و موروثی، پا در هوا بودن سرنوشت سیاسی مردم، فقر و تحقیر زندگی و امنیت شغلی برای مردم و از طرف دیگر وجود یک قشر سرمایه دار از سران این احزاب و اقتشار پیرامونی، تحقیر وحاشیه ای کردن زندگی مردم که حتی از تامین مایحتاج اولیه های زندگی مانند آب، برق و گاز و بهداشت و تحصیل رایگان که سابقا وجود داشت بوده است. اینجا تبدیل به سر زمینی برای مردم کرد زبان از طرف جنبش کردایی شده است که بیشتر از دو نسل از جوانانش در سرگردانی و ناامنی بسر می‌برند و چند صد هزار نفر از آنها آواره کشورهای دیگر شده اند. در اینجا احزاب و جریانات دیگری هم هستند که تماما با حاکمان همراه اند و آلت دست احزاب حاکم و جیره خوارند. همه اینها با هم برای حزب دمکرات به معنی تجربه "آزادی" و "دمکراسی" تحت حاکمیت احزاب جنبش ناسیونالیستی کورد است. برای حزب دمکرات و تمام جنبش های ناسیونالیسم و تک تک رهبری آنان این جنبه های زندگی سیاسی و اقتصادی و ارتجاع فرهنگی گسترده که زیر سایه آنها وجود دارد، مهم نیستند و مسائلی بشدت ثانوی اند. لازم نیست آدم خیلی منصف و حتی کمونیست باشد که نه در طول ۳۰ سال بلکه در سه ماه، تمام این واقعیت را نتوانید ببینید، فقط یک ذره شرافت و انسانیت از جنس غیر متعصب ناسیونالیستی لازم است تا عین واقعیت را دید و عرق شرم و خجالت به صورت رهبران حزب دمکرات و امثالهم نشاند. وقتی که شادمانی و رضایتشان را به نسبت اوضاع در کردستان عراق ابراز میدارند یعنی خواهان حفظ و تحکیم وضعیت فعلی هستند.

اما بر خلاف حزب دمکرات، مردم کردستان عراق ۳۰ سال است به اشکال مختلف علیه متحدین حزب دمکرات و برای پایان دادن به حاکمیت آنها، برای تامین ابتدایی ترین امکانات زندگی، در حال جنگند. نفرت از این احزاب و رهبران و سخنگویان و متحدین آنها از سر و کول جامعه بالا می‌رود. طبقه کارگر و بخش محروم جامعه روزانه با سرمایه داران و روسای دولت کردی، برای نان، برای بهداشت مناسب، علیه فقر و گرانی و محرومت و علیه قلدی و زورگویی حاکمین مبارزه میکنند. زیر سایه حاکمیت ناسیونالیستهای کرد حاکم و در دمکراسی مورد تقدیس حزب دمکرات دهها هزار زن در این سه دهه از جمله به جرایم ناموسی کشته شده اند. این انسانها زیر سایه حاکمیت آنها حتی محل خاکسپاری آنها از بقیه مردگان جدا است. جامعه کردستان برای زنان جهنمی است که هزار بار باید بر روی حاکمین آن، بر روی احزاب در قدرت آن و بر روی مدافعان چنین حاکمیتهایی تحت نام حاکمیت "کردی" تف انداخت. از دمکراسی حزب دمکرات در کردستان عراق بوی تعفن همه جا را گرفته است.

**نه قومی نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!**

ادامه انتخابات در کردستان عراق و.....

## ضمیمه

## پیام مرکز اجرایی حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت برگزاری انتخابات مجلس اقلیم کردستان

روز یکشنبه ۲۹ مهر ماه (۲۰ اکتبر ۲۰۲۴) ششمین دور انتخابات مجلس اقلیم کردستان عراق در فضایی آزاد و دموکراتیک برگزار شد.

روند برگزاری این انتخابات با مشارکت چندین حزب، جریان سیاسی، کاندیداهای مستقل با نظارت دهها موسسه رسانه ای و سازمان های کردستانی، عراقی و بین المللی، آن هم در منطقه خاورمیانه ی ملامال از مشکل و بحران های گوناگون حائز اهمیت بوده و جای مسرت دارد.

حائز اهمیت و مثبت بودن این انتخابات در این است که توسعه ی سیاسی و تلاش ها برای نهادینه کردن مبانی دموکراسی در اقلیم کردستان بیش از پیش ثمربخش بوده و مردم آزادانه برای تعیین سرنوشت خود مشارکت دارند. آن هم در شرایطی که برخی از کشورهای منطقه - بویژه در ایران - نه انتخابات معیارها و ویژگیهای دموکراسی را داشته و نه اجازه؟ به حضور آزادانه احزاب و جریانات سیاسی در انتخابات داده می شود و نه مردم در تعیین سرنوشت خود آزاد می باشند.

حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با برگزاری انتخابات مجلس اقلیم کردستان مراتب مسرت و تبریک خود را به مردم کردستان و احزاب و جریانات سیاسی شرکت کننده در انتخابات ابراز کرده و امیدوار است با تلاش عموم احزاب و جریانات و با تشکیل حکومتی پاسخگو متناسب با خواست و توقعات مردمی، وضعیت معیشت و حقوق مردم اقلیم کردستان روز به روز بهتر گشته و اقلیم کردستان به نمونه ای موفق در حکمرانی و مدیریت کردستان در منطقه مبدل شود.

حزب دمکرات کردستان ایران

مرکز اجرایی

بخش مهم دیگری از پیام حزب دمکرات در باره انتخابات در کردستان عراق در واقع پیام به دولت هاست. حزب دمکرات همیشه تمام گزینه ها را روی میز دارد، از مذاکره با جمهوری اسلامی تا امیدواری به سرنگونی رژیم از طریق حملات نظامی و جنگ با ایران بوسیله آمریکا و اسرائیل و دخالت دادن حزب دمکرات در این جنگ. آنها امیدوارند با راه انداختن حمام خون در ایران و با بمبهای آمریکایی و تکرار جهنم سوریه، افغانستان، عراق، لیبی و اکنون هم فلسطین، در حالت مشابهی مانند به قدرت رساندن احزاب جنبش کردایی در کردستان عراق، اینها هم از جانب امریکا- اسرائیل به قدرت برسند. پیام حزب دمکرات روشن است و توپ در میدان جمهوری اسلامی می اندازد که روی این حزب و جریانات مشابه آن حساب باز کند و با امتیازاتی جزئی تر بویژه در زمینه مسائل فرهنگی رضایتشان را جلب کند و او را به دامن جمهوری اسلامی برگرداند. این معنی واقعی دموکراسی و آزادی مورد نظر حزب دمکرات است دقیقاً همان چیزی که در کردستان عراق وجود دارد و همان چیزی که مردم کردستان دهها بار علیه آن و صاحبانش شوریده اند.

حزب دمکرات اما مانند همیشه بازنده است. بخش مهمی از مردم در کردستان ایران این سناریو را از حزب دمکرات نمی خردند و بنا به سنت های آزادیخواهی و برابری طلبی عمیقی که در بین مردم کردستان ایران وجود دارد و در راس آنها کمونیست ها بوده و هستند مانع جدی در به تحقق رسیدن آرزوها و طرح های ارتجاعی این حزب بوده و هستند.

\*\*\*

ادامه فاشیسم و مردم کردستان .....

دولتهای اروپایی و پس از قتل عام ۵۰ هزار انسان بی گناه، آواره شدن بیش از دو میلیون فلسطینی و نابودی کامل غزه، علارغم ادعاهایش نتوانسته است به هیچ کدام از خواسته هایش برسد. اکنون که از سوی جامعه متمدن جهانی و هم از درون زیر فشار است تلاش می کند با گسترش جنگ در منطقه خود را از این باتلاق بیرون بکشد و به این منظور از تمامی گزینه های احتمالی می خواهد بهره ببرد. یکی از این گزینه های احتمالی با توجه به شناختش از احزاب قوم پرست و ناسیونالیست کردی، استفاده ابزاری از این احزاب در خدمت منافع خود در منطقه می باشد.

جریاناتی که شانس خود را به تهدیدات نتانیاهو و دولت فاشیست اسرائیل در به آتش کشیدن خاورمیانه گره زده اند و از آن بعنوان "فرصت تازه" نام میبرند. سخنان وزیر امور خارجه اسرائیل نیز مزید بر علت شد تا فرصت را غنیمت شمردند و از هول حلیم با کله در دیگ افتند.

وجود ستم ملی به اشکال فرهنگی و سیاسی چه در دوران حاکمیت سلطنت و چه در دوره حاضر و در کنار آن نیز فقر و فلاکت تحمیل شده بر اکثریت مردم ایران طی چهل سال حاکمیت

آدمکشی دولت اسرائیل وارد فاز جدیدی شده است و با حمایت کشورهای غربی و آمریکا آزادانه و جلو چشم جهانیان مشغول جنایت است. فضای عمومی از سوی مردم متمدن جهان علارغم سانسور و سرکوب دولتهای دست راستی شاهد اعتراضات گسترده ی بشریت مترقی در قلب جوامع غربی در محکومیت این جنایات و دفاع از مردم بی دفاع فلسطین است. اعتراضاتی که منجر به صدور حکم دادگاه بین المللی مبنی بر حکم بازداشت نتانیاهو و گالانت دوتن از سران جنایتکار دولت اسرائیل شد. دادگاه بین المللی نتوانست بیش از این در مقابل اعتراضات مردم متمدن و آزادیخواه جهان مقاومت کند و مجبور شد تاکید کند که «دلایل منطقی» وجود دارد که نتانیاهو و گالانت در نوار غزه مرتکب جنایت های جنگی شده اند. جنایت های جنگی شامل استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح جنگی و همچنین کشتار، آزار و شکنجه و سایر اعمال غیرانسانی می شود.

دولت فاشیست اسرائیل با وجود حمایت های نظامی آمریکا و

ادامه فاشیسم و مردم کردستان .....

های آمریکایی می کنند و از شعار خودمختاری به فدرالیسم نقل مکان می کنند. آنطرفتر تحت لوای "تکثر گرایی خلق ها" نسخه کنفدرالیسم دمکراتیک را برای مردم کردستان می پیچند. یک روز هم پیمان دولت بعث سوریه می شوند و دیگر روز روی نفوذ منطقه ایران حساب باز می کنند و با جمهوری اسلامی هم پیمان می شوند. هم پیمانی خود را با دولت آمریکا اعلام میکنند و کرور کرور پیام تبریک برای ترامپ می فرستند. به کمک جلال طالبانی در هتل های سلیمانیه با سران اطلاعات رژیم مخفیانه مذاکره می کنند و روزی دیگر در جریان مذاکرات با رژیم و در شهر "وین" در دام می افتند و کشته می شوند. روزی در شکاف اختلافات دولت عربستان با جمهوری اسلامی، دلارهای نفتی دریافت می کنند و روز دیگر به کمک دولت نروژ دوباره و بدور از چشم مردم با سران رژیم ملاقات می کنند و بر سر همین مردم کردستان معامله میکنند.

تاریخ هر کدام از احزاب قوم پرست کردی سرشار از این بده بستان ها با دولت مرکزی و دیگر دولتهای ارتجاعی منطقه است. خود را نماینده تام الا اختیار مردم کردستان می دانند و بدون دخالت همین مردم از بالا برای مردم تصمیم می گیرند. هدفشان تنها سهم شدن در قدرت و رسیدن به نان و نوابی به هر قیمتی ست و در این راه همیشه هدف وسیله را توجیه کرده است. از باند زحمتکشان کعبی و مهندی تا حزب دمکرات و پژاک و پ ک ک و هر جریان بی ربط دیگری به جامعه که به اسم دفاع از ملت کرد، مشغول چانه زنی از بالا و فریب از پایین هستند.

با صحبتهای وزیر امور خارجه اسرائیل قند در دلشان آب شده است. اکنون که گیدئون "مرحمت" فرموده و گوشه نگاهی به این جنابان انداخته و از "کوردها" بعنوان متحدین اسرائیل نام برده است، هر کدام از این جریانات قوم پرست به نوبه خود به تکاپو افتاده اند و آمادگی خود را برای هر سناریوی سیاهی اعلام کرده اند. شاید در سایه کشتار و نابود کردن شیرازه جامعه ایران و به یمن حمله موشک و جنگ افزارهای کشتار جمعی اسرائیل و آمریکا به کرسی قدرت بنشینند. جریاناتی که تنها خاصیت شان نا امن کردن محیط کار و زیست مردم و خارج کردن همین مردم از

صحنه جدالهای سیاسی بر سر آینده خود و جامعه شان است.

هم وزیر خارجه اسرائیل و هم دیگر جریانات قوم پرست آدرس را اشتباهی رفته اند و به قول معروف "واق واق کردن پای درخت اشتباه" را برگزیده اند. مردم و طبقه کارگر کردستان و ایران در خیزش ۱۴۰۱ به پروژة قومی و مذهبی کردن مبارزه خود "نه" گفتند و این تلاشهای ارتجاعی را عقب زدند.

**فاشیسم و مردم کردستان کجا مرحبا!؟**

نوامبر 2024

جمهوری اسلامی نفرت و خشم عمومی علیه این رژیم را به حد اعلا رسانده است و در این کش و قوس "قصابان غزه" که خود سرچشمه جنایت و فاشیسم هستند. با علم بر تمامی مصائب تحمیل شده بر جامعه ایران و با علم به سالها مبارزه مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی می خواهند بر خواست و مطالبات و نفرت از جمهوری اسلامی در این منطقه سرمایه گذاری کنند. اما روی سخنان سران دولت اسرائیل نه مردم ایران و کردستان بلکه احزاب و جریانات قوم پرست و سناریو سیاهی هستند.

اگر نخواهیم زیاد به عقب برگردیم و تنها به خیزش انقلابی ۱۴۰۱ برگردیم، وجود درد مشترک میان مردم کردستان با سایر مردم ایران، مبارزه ای مشترک، هم صدایی و عدالت خواهی سراسر مردم ایران را به دنبال داشت. خواست آزادی و برابری و دفاع از حق زن در شعارهای این مردم برجسته بود. علاوه بر تمامی تلاش جریانات ناسیونالیست و مرتجع از نوع کردی آن گرفته تا پان ایرانیست های سلطنت طلب و غیره برای ایجاد انشقاق و دو دستی در بین مردم کردستان و سایر نقاط ایران، نه تنها این تلاش ها راه به جایی نبرد، بلکه شعار از کردستان تا تهران ستم علیه زنان، کردستان جای فاشیست ها نیست، زنده باد آذربایجان و یاشاسین کردستان از هر نقطه ای سربلند کرد.

مخاطب اصلی پیام دوستی سران اسرائیل مردم کردستان نیستند. مردم آزادیخواه کردستان حداقل در یک سال اخیر از طریق بیانیه های خود بارها مخالفت خود را با جنگ و فضای جنگ اعلام کرده اند و دست رد به سینه تمامی جریاناتی که مبارزات برحق مردم را دستمایه رسیدن شان به نان و نوابی کرده اند، زده اند. مردم و خصوصا طبقه کارگر در کردستان و سراسر ایران که در جدالی هر روزه با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و برای رسیدن به آزادی، برابری و امنیت هستند متوهم به هیچ نوع جریان قوم پرست و ارتجاعی و دخالت خارجی نیستند. تلاش دولتهای فاشیست و مرتجع و پادوهای "قوم پرست" نیز در این رابطه آب درهاون کوبیدن است.

اما و در این بین تلاش مذبوحانه جریانات قوم پرست و ناسیونالیست کرد دیدنی ست و با پیام سران دولت اسرائیل شاخک هایشان فعال شده است. احزاب قوم پرست برآمده از جنبش ناسیونالیسم کرد، تاریحا تمامی تلاششان نه بر پایه حل مسئله ملی بلکه با استفاده از اهرم "ستم ملی" سعی در سهم کردن بورژوازی کورد در قدرت مرکزی و سهم شدن در قدرت بوده است. این جریانات که حیاتشان مبتنی بر شکاف بین دولتهاست در این راه به هر ریسمانی چنگ می زنند. با طرح هشت ماده ای "قاسملو" به خمینی لیبیک می فرستند و خواستار خودمختاری برای کردستان می شوند. با شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق نامه فدایت شوم برای خمینی می فرستند و خواستار حضور در جبهه و جنگیدن در کنار سپاه پاسداران علیه دولت بعث عراق می شوند. روزی دیگر در کنار مجاهدین شورای ملی مقاومت را پایه ریزی می کنند. به دنبال به قدرت رسیدن جریانات قوم پرست کردستان عراق به کمک آمریکا، آرزوی سوار شدن بر تانک

**ملیت بر خلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. اما بر خلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی**

**حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید**

ادامه جنایات دولت ترکیه به بهانه .....

پوشیده و برای فریب افکار عمومی و منافع سیاسی خود به نسل کشی مردم غزه و فلسطین به دولت فاشیست اسرائیل "اعتراض" میکند، این یک بام و دو هوا دقیقاً نشان میدهد که دولت ترکیه اعتراضش به اسرائیل چقدر ریاکارانه است. ترکیه در همین حال مشغول بازرگانی با دولت فاشیستی اسرائیل است و از طریق کشور جمهوری آذربایجان نفت دولت فاشیست اسرائیل را تامین میکند، نفتی که بعنوان خونی در رگه های ماشین کشتار و نسل کشی دولت اسرائیل بر علیه مردم فلسطین و غزه حیاتی است.

این جنایات دولت فاشیست ترکیه دقیقاً در مقابل چشم و با سکوت نیروهای امریکایی در محل انجام میگردد که گویا هم پیمان نیروهای سوریه دمکراتیک "قسد" هستند، هر چند مسئولان تشکیلات خود مدیریتی در چند سال گذشته بارها اعلام کرده اند که "ما خطری برای امنیت ترکیه نبوده ایم و آماده گفتگو و مذاکره با ترکیه برای رفع مشکلات هستیم". اما دولت اردوغان از سال ۲۰۱۶ با اهداف توسعه طلبانه و فاشیستی به بهانه پوچ و بی اساس عدم امنیت در مرزهای سوریه تا کنون طی سه مرحله عملیات وسیع نظامی، بخشهای زیادی از کردستان سوریه را به اشغال خود در آورده است.

قابل یادآوری است تمام این اتفاقات، کشتن مردم بی دفاع غیر نظامی و نابود کردن تمام زیر ساخت های یک جامعه توسط دولت فاشیست ترکیه در سکوت رسانه های اصلی مزدور و نان به نرخ روز خور انجام میگردد و همچنین جلو چشم سازمان ملل و یک دوجین از سازمانهای "حقوق بشری"، بی آبرویی این سازمان ها و سازمان ملل در جنگ دولت فاشیست اسرائیل علیه مردم فلسطین و غزه هر چه بیشتر در نزد مردم متمدن و آزدیخواه جهان عیان و آشکار شده و هیچ امیدی به آنها نمی توان بست، برای به عقب نشینی وادار کردن و توقف این جنایت ها تنها باید به نیروی مردم آزدیخواه تکیه کرد.

احمد مطلق نوامبر ۲۰۲۴

سوریه و دولت ترکیه مورد حمله قرار گرفته است. شبه نظامیان اسلامگرای مورد حمایت ترکیه نیز با گلوله باران منطقه با دولت ترکیه همراهی کرده اند.

ترکیه مدعی است که این حملات مواضع پ.ک.ک و نیروهای متحد آن را هدف قرار داده است، اما نیروهای "سوریه دموکراتیک" این ادعا را رد کرده و می گویند زیر ساخت های حیاتی و غیر نظامیان هدف قرار گرفته اند. حملات هوایی و بمبارانهای مداوم شهرها و روستا های کردستان در سوریه توسط دولت فاشیستی ترکیه در یک ماه گذشته خسارات بیشماری به بار آورده و علاوه بر تلفات انسانی فراوان منجر به تخریب و ویرانی زیر ساخت های نفت و گاز و نیروگاه های برق و مراکز پمپاژ آب در منطقه تحت کنترل اداره خود مدیریتی کردستان سوریه شده است، قطع آب در شهر حسکه و شمال شرق سوریه با یک فاجعه انسانی به بار آورده است، قطع دسترسی غیر نظامیان به آب از طرف دولت فاشیست ترکیه جنایت جنگی است و همراه جنایات و کشتار مردم محروم در این منطقه باید به شدت محکوم شود.

ابعاد و عملیات های جنایت کارانه ارتش ترکیه علیه مردم آنچنان وسیع بوده است که کمسیون مستقل سازمان ملل در ماه فوریه امسال طی گزارشی تاکید کرده که: " حملات ترکیه به زیر ساختهای برق در کردستان سوریه می تواند به عنوان جنایات جنگی تلقی گردد زیرا غیر نظامیان را از دسترسی به آب محروم کرده".

این اولین بار نیست که دولت ترکیه به بهانه مقابله با پ.ک.ک و متحدین او زندگی چند میلیون انسان در شمال کردستان عراق و در کردستان سوریه را به تباهی میکشاند. در چند دهه گذشته مردم محروم در این منطقه با بمباران و حملات مکرر ارتش ترکیه، روبرو بوده اند. قتل و ترور و حمله به شهر و روستاها، ویرانی محل کار و زندگی و سرپناه مردم، آورگی مردم محروم در بخشی از این مناطق و کشتار هزاران انسان بی گناه تنها گوشه ای کوچک از جنایات دولت ترکیه است.

دولت فاشیست و جنایتکار ترکیه دقیقاً همان کاری را انجام میدهد که دولت فاشیست اسرائیل با مردم غزه می کند، کشتن غیر نظامیان، کشتن زن و کودک، گرسنگی دادن مردم و بمباران و نابود ساختن زیر ساخت های حیاتی برای زندگی. ها کان فیدان رئیس سابق سازمان جاسوسی "میت" و وزیر خارجه دولت کنونی اردوغان در کمال بی شرمی اعلام کرده که: " تمام زیر ساخت ها و روبنا ها و تاسیسات انرژی کردستان متعلق به حزب اتحاد دمکراتیک "پ.ی.د" و یگانهای مدافع خلق "ی.پ.گ" و "پ.ک.ک" در سوریه و عراق هست و از اهداف نظامی و امنیتی و اطلاعاتی ترکیه به شما می آیند". این همان استتال و بهانه ای است که دولت فاشیست اسرائیل برای کشتن بیش از ۴۴ هزار نفر از مردم و نسل کشی مردم فلسطین در غزه به بهانه وجود حماس می کند. تمام فاشیست ها همگی یک منطق دارند فرقی نخواهد کرد در کدام قسمت کره زمین باشند. بخش خنده دار و مضحک این مسئله در این است همین دولت ترکیه لباس فریب

**دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم،**

**بدون امید سوسیالیسم،**

**بدون "خطر" سوسیالیسم،**

**به چه منجلا بی بدل میشود!**

منصور حکمت



ادامه... بازی با کارت "مسئله کرد" در .....

اولین سوال این است چه اتفاقی در ایران افتاده است؟ دولت پزشکیان پستیهایی به "اهل سنت" و "اقلیتها" واگذار کرده است، توجه به کردستان و مردم کرد زبان و بلوچستان در بحثهای او مشاهده میشود، لباس کردی میپوشد و به زبان کردی مردم کردستان را خطاب قرار میدهد. در شرایطی که فشار به احزاب اپوزیسیون کرد کلا در یک سال گذشته کمتر نشده است و آخرین مورد جمع کردن اردوگاههای اپوزیسیون کرد در کردستان عراق، بحث خلع سلاح و انتقال آنها به اردوگاههایی است که تعیین کرده اند، ماجرا از نظر شما چه است؟

نیروهای راست، دولتها و مرتجعین و محافل سیاسی با اهداف روشن میکوشند در تخصصات و کشمکش های خود با همدیگر، آنرا ایجاد کنند، میکوشند اختلافات قومی و مذهبی و... را باد بزنند و در خدمت اهداف خود در کشمکشهای میان خود به آن متکی شوند. سعی میکنند در این تخصصات با تحریک قومی و مذهبی، با پرچم حقوق کردها و سنی ها و... اهداف زمینی خود را دنبال کنند. نیروهای ناسیونالیست هم برای رسیدن به نان و نوایی به استقبال این فضا و دامن زدن به عرق ملی و مذهبی و .... میروند و آماده ایفای نقش هستند.

دولت پزشکیان با پرچم "حکومت وفاق ملی" تلاش کرد سطوح بالای جمهوری اسلامی را متحد کند تا همه جناحهای آن احساس کنند در حاکمیت سهمی دارند، با این کار شکاف در بالا را که زیر فشار اعتراضات وسیع توده ای هر روز بیشتر دچار انشقاق میشد، متحد کند و توان جمهوری اسلامی در مقابل پایین جامعه را بالا ببرند. تقسیم صندلی در مجلس، دادن پستیهایی به افرادی که کرد یا بلوچ زبان یا سنی مذهب هستند، تغییر ترکیب دولت و تشکیل یک دولت "رنگین کمانی"، همراه با تبلیغات وسیع ناسیونالیستی و وطن پرستانه و کاهش دوز تبلیغات اسلامی، کوششی برای این است که مردم ایران را، که از حکومت مذهبی و اسلامی منتظراند، راضی کند، زیر پای نیروهای اپوزیسیونی که با پرچم ایرانیت، یا به نام "اقلیتهای ملی تا مذهبی و حقوق آنها" علیه جمهوری اسلامی ابراز وجود میکنند را خالی و نقش و دخالت آنها را، چه به کمک دولتهای غربی و دول متخاصم با ایران و چه مستقیم، و مخاطراتی که خصوصا در مناطقی مانند بلوچستان یا کردستان میتوانند برای حاکمیت ایجاد کنند را کم کند.

فشار به اپوزیسیون کرد مستقر در کردستان عراق و تلاش برای خلع سلاح و محدود کردن آنها و تبدیل آنها از یک نیروی سیاسی مسلح به آوارگانی زیر نظر سازمان ملل و استقرار آنها در اردوگاههای دور از شهرها و...، با هدف کاهش نقش آنها و اساسا ناممکن کردن سرمایه گذاری ارتجاع منطقه ای روی آنها برای مقابله با جمهوری اسلامی و بعلاوه استفاده تبلیغاتی علیه فضای اعتراضی در جامعه کردستان و نشان دادن پایان نقش این احزاب و به رخ کشیدن قدرت جمهوری اسلامی اساسا علیه پایین جامعه است.

**نینا:** با این وصف آیا جمهوری اسلامی در کردستان توانسته است اهداف خود را برآورد کند؟

**خالد حاج محمدی:** اقدامات جمهوری اسلامی و وعده های پزشکیان جواب معضل اکثریت عظیم مردم مخالف و منتفر از جمهوری اسلامی را نمیدهد و معضل آنها را حل نمیکند. اینرا در ادامه اعتراضات در کردستان پا به پای تهران و شیراز و کرمانشاه و اهواز و .... میتوان دید. امید به اینکه انتخاب چند نفر کرد زبان یا سنی مذهب میتواند مردم کردستان را راضی کند فقط میتواند ناشی از محاسبه غلط جمهوری اسلامی از وزن احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان باشد. خواست و مطالبه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه کردستان همان خواست و مطالبه ای است که طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در خوزستان، تهران، شیراز و اصفهان دارند. معضل اکثریت بزرگی از مردم کردستان،

**خالد حاج محمدی:** اجازه بدهید ابتدا چند نکته در مورد اوضاع کردستان ایران و رابطه جمهوری اسلامی و مردم در این منطقه را بیان کنم و بعد به بقیه نکات مورد نظر شما خواهم پرداخت. تحولات جامعه ایران خصوصا در یک دهه گذشته سیمای کل ایران و از جمله کردستان را عوض کرده است. امروز بیش از هر زمانی طبقه کارگر در ایران، زنان، افشار محروم و نسل جوان آن، احساس همسرنوشتی میکنند و در مقابل جمهوری اسلامی همبسته ظاهر شده اند.

اعتراضات سراسری علیه جمهوری اسلامی پس از شهریور ۱۴۰۱ و قتل حکومتی مهسا امینی، تلاش همه جانبه نیروهای راست و ناسیونالیست، باحمایت دول غربی، برای زدن مهر خود به این اعتراضات و خیزش و رهبر تراشی های دائمی و دست رد مردم آزادیخواه به سینه همه این نیروها و تلاشهای شان، بیان بارز این حقیقت است که جامعه ایران و مردم آزادیخواه از جمله در کردستان بسیار هوشیارتر، همبسته تر و متحد ترند. برخلاف تلاش و تبلیغات دائمی ناسیونالیسم ایرانی از جمهوری اسلامی تا ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی در اپوزیسیون از یک طرف و ناسیونالیستهای کرد و ترک و بلوچ و عرب و .... از طرف دیگر، نفاقهای ملی، مذهبی و قومی بدرجه زیادی به حاشیه رفته اند و مهر باطل خورده اند، و احساس همسرنوشتی، هویت مشترک طبقاتی در میان طبقه کارگر، هویت مشترک انسانی در میان مردم ایران بشدت تقویت شده است. بر همین اساس یک اسلحه زنگ زده و ضد انسانی برای تفرقه های ملی، قومی، مذهبی، جنسی و... از دست همه این نیروها به زمین افتاده و جامعه پذیرای آن نیست. امروز نیروهایی که بر اساس ملیت، قومیت و مذهب برای انسانها هویت درست میکنند، تحریک قومی یا مذهبی میکنند و میکوشند زیر این پرچمها نیرو جمع کنند، به مراتب در جامعه ایران حاشیه ای تر شده اند. تلاش جمهوری اسلامی در تحولات و اعتراضات ۱۴۰۱ برای نفاق افکنی، مثلا جدا کردن کردستان از بقیه و فاصله انداختن میان مردم هم سرنوشت شکست خورد، این سیاست در بلوچستان هم به نتیجه نرسید و جواب رد گرفت. همزمان تلاش ناسیونالیستهای کرد و تبلیغات آنها برای تراشیدن هویت "کردی" و محلی به جنبش اعتراضی و انسانی بعد از قتل حکومتی مهسا امینی به جایی نرسید و شکست خورد.

در نتیجه فضایی که امروز از هر طرف با پرچم قومیتها و ملیتها و مذاهب و اقلیتها ایجاد میشود، از فضای واقعی جامعه ایران و فضای مردم کردستان استنتاج نمیشود. این فضایی است که

ادامه.... بازی با کارت "مسئله کرد" در .....

اسرائیل و جمهوری اسلامی پیدا کرده اند. در این دوره، تهدیدات، تبلیغات و حملات دولت اسرائیل و جمهوری اسلامی به همدیگر و خطر وقوع جنگی بزرگ با ایران با دخالت مستقیم امریکا و ناتو، بخش بزرگی از اپوزیسیون بورژوازی ایران از طیف سلطنت طلب تا انواع گروههای قومی و مذهبی و جریانات اولترا راست و جریانات ناسیونالیست کرد، را به چنین جنگی امیدوار کرد. طیفی از این اپوزیسیون در این مسیر از دستگاه پروپاگاندا جنگی اسرائیل فراتر رفتند و رسماً در دل کشتار وسیع مردم فلسطین در غزه با تکرار تزناتیا هو که "سر مار در ایران است" و با توجیه مخالفت با جمهوری اسلامی، خواهان تکرار سناریوی غزه در ایران شدند و در کنار جنگ طلب ترین عناصر دولت اسرائیل قرار گرفتند. اینها در تمام کشتار و پاکسازی خونین اسرائیل در فلسطین که با اعتراض جنبشی جهانی و عظیم علیه اسرائیل و برای پایان جنایت، بمباران، قتل و کشتار مردم و کودکان فلسطینی عروج کرد، یا رسماً، مانند رضا پهلوی و طرفدارانش، کنار اسرائیل و امریکا ایستادند و یا "محترم ترین" آنها سکوت اختیار کردند.

احزاب، جریانات و شخصیتها این جنبش اساساً امیدوار بودند و هنوز هم هستند که امریکا و اسرائیل وارد جنگ مستقیم با ایران شوند. چنین جنگی را به نفع خود میدانند و امیدوارند چنین جنگی باعث سرنگونی جمهوری اسلامی و سر کار آوردن حاکمیتی پرو آمریکایی و اسرائیلی شود و آنها هم سهمی در آن حکومت داشته باشند و در کردستان صاحب مقام و جایگاهی شوند. متأسفانه این طیف در اپوزیسیون ایران کوچک نیستند. این نیروها، که از جریان سلطنت طلب، مجاهد، "سازمان زحمتکشان" عبدالله مهدی و حزب حمید تقوایی تا انواع گروههای قومی و مذهبی را در برمیگیرد، رسماً پرو اسرائیلی و جنگ طلبند و در کمال بی شرمی از کشتار وسیع مردم ایران در چنین جنگی و نابودی زیر ساختهای اقتصادی و تحمیل فقر و آوارگی بعنوان عوارض "جانبی" جنگ نام میبرند.

این نیروها امیدوارند که ترامپ در رابطه با جمهوری اسلامی "قاطع تر" باشد و به قول خودشان با آن "مماشات" نکند و امیدوارند ترامپ با جمهوری اسلامی سر جنگ داشته باشد. افرادی از این صف که دیگر آب از سرشان گذشته و در بی شرمی هیچ مرزی نمی شناسند، فوری با پیام تبریک به ترامپ، وفاداری خود را برای هر خوش خدمتی اعلام کردند و منتظر قبول خدمتگذاری خود از جانب ترامپ فاشیست هستند.

فضای کنونی و تحرکات و امیدواری ها در این صف ناشی از شدت گرفتن جدال ایران و اسرائیل و امیدواری آنها به تشدید آن به عنوان راه نجات از استیصال و بی آیندگی خود است. این شامل همه احزاب و گروههای ناسیونالیست کرد در اپوزیسیون جمهوری اسلامی است. امری که بشدت مردم آزادیخواه ایران را نگران کرده است.

در مورد سخنان اخیر "گیدئون ساعر" وزیر امور خارجه جدید اسرائیل و اعلام دوستی "با کردها" یکی دو نکته را اشاره کنم.

کارگران، زنان، نسل جوان و اقشار محروم جامعه خیلی عمیق تر و طبقاتی تر از مسائل فرهنگی و زبانی و دادن پستیهای به افرادی محلی و کرد زبان است. کارگران و اقشار محروم و زنان در کردستان ایران تجربه کردستان عراق و سه دهه حاکمیت احزاب بورژوازی و ناسیونالیست کرد در آنرا دارند. اینکه سهم طبقه کارگر و زنان در حاکمیت آنها حتی از دوره صدام حسین هم کمتر است را از زبان مردم کردستان عراق شنیده اند. به این اعتبار مطالبات طبقه کارگر در کردستان جدا از مطالبات سراسری این طبقه نیست، زنان به همین صورت، معلم، پرستار، بازنشسته و بخش محروم جامعه به همین شکل. این بخش رفاه، عدالت و برابری، آزادیهای وسیع سیاسی، برابری زن و مرد، پایان فقر و استبداد و... را میخواهند و بر سر اینها با جمهوری اسلامی در جنگند. جامعه به این نتیجه رسیده است که این مطالبات در چهارچوب این نظام جواب نمیگیرد و بر همین اساس طبقه کارگر و بخش محروم جامعه، زنان و نسل جوان خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی به عنوان اولین قدم در راه رسیدن به رفاه و جامعه ای برابر و آزاد است. لذا اقدامات جمهوری اسلامی و حتی تلاش ناسیونالیستهای کرد با پرچم "کرد" و "حقوق اقلیها" کمتر از هر زمانی مسئله اکثریت عظیم مردم کردستان می باشد و آنها را نمایندگی نمیکند.

اما و همزمان اقدامات اخیر جمهوری اسلامی، باز کردن فضای فرهنگی در کردستان، رفع محدودیت و موانعی که سالهای قبل در نوروز و مناسبتهای مختلف ایجاد میکرد و پیش قدم شدن نهادهای حکومتی، استاندار و فرماندار، در این مراسمها، کاهش محدودیت بر زبان کردی و وعده ها و اقداماتی برای آموزش زبان محلی، اختصاص پستیهای به کرد زبانان و...، قطعاً بر طیفی که مخالفت آنها با جمهوری اسلامی از این چهار چوب فراتر نمیرود، تاثیر میگذارد. به این اعتبار حداقلهایی از مطالبات احزاب ناسیونالیست کرد را برآورد و بخشی از نیرویی که برای رسیدن به این مطالبات حول آنها جمع میشود را از آنها دور خواهد کرد. همچنانکه پرچم ناسیونالیست ایرانی را برداشتن توسط جمهوری اسلامی و سرود "ای ایران، ای مرز پرگهر" و تبلیغات وسیع ناسیونالیستی جمهوری اسلامی، عملاً زیر پای طیف ناسیونالیستهای ایرانی و سلطنت طلب در اپوزیسیون را خالی میکند.

**نینا:** این روزها شاهد تحرکاتی در میان فعالین جنبش ناسیونالیست کرد، احزاب و گروههای قومی و... زیر عنوان حقوق کردها و... هستیم. همزمان اخیراً وزیر جدید امور خارجه اسرائیل از لزوم دوستی با "کردها" میگوید و مدعی است "کردها"، متحدین طبیعی اسرائیل هستند. اینها کجای تغییر تحولات این دوره در ایران و منطقه قرار میگیرند؟

**خالد حاج محمدی:** تحرکات و جنب و جوش چند ماه اخیر در میان فعالین، محافل و گروهها و سازمانهای ناسیونالیستی کرد، امیدواری است که آنها زیر سایه فضای جنگی و میلیتاریستی حول نسل کشی اسرائیل در فلسطین و فضای پر تنش میان

ادامه... بازی با کارت "مسئله کرد" در .....

اسرائیل نیز مدت مدیدی است، همراه و در کنار دولت آمریکا در ایران و عراق و منطقه، مشغول چنین کاری است. تلاش اسرائیل برای سازمان دادن واحد های ترور و بمب گذاری در مراکز مهم صنعتی، اقتصادی و اتمی ایران امر جدیدی نیست. امروز سعی میکند این سیاست و تلاش برای جنگ نیابتی را از کانال جلب جریانات اپوزیسیون و به نام مبارزه با جمهوری اسلامی و زیر عنوان دفاع از حقوق "اقلیتها" یا دفاع از "کردها"، دنبال کند. به همین دلیل ریاکارانه مردم ایران و یا کردستان مورد خطاب سران اسرائیل قرار میگیرند. آنچه وزیر امور خارجه جدید اسرائیل به نام "دوستی" با کردها بیان میکند در حقیقت تلاش برای جلب نیروهای ارتجاعی کرد در تخاصمات خود با ایران با پرچم "حقوق" کردها برای متحقق کردن اهداف اسرائیل در ایران است، سیاستی که مدتهاست دنبال کرده و امروز رسماً اعلام میشود. بی شک این سیاست و حامیان آن از هر طرف مورد نفرت مردم آزادیخواه در کردستان هستند. جنگ و جدال مردم کردستان برای رفاه و آزادی و برابری است و با جنگ اسرائیل و حامیان او با جمهوری اسلامی یکی نیست. از نظر این مردم دولت اسرائیل در جنایت و توخش امروز هر مرزی را پشت سر گذاشته و روی هر دولت جنایتکاری را از جمله جمهوری اسلامی هزار با سفید کرده است. نفرت مردم ایران از جمهوری اسلامی مانع دیدن ابعاد جنایتکاری و فاشیسم دولت اسرائیل نمیشود. این واقعیتی است که نه نیروهای ارتجاعی از دولتها تا نیروهای اپوزیسیون قادر به درک آن نیستند.

**نینا:** شما به مسائلی اشاره کردید که قابل توجه است. اگر احزاب و جریانات ناسیونالیستی به جنگ اسرائیل با ایران امید بسته اند و آرزوی حمله به ایران با شراکت آمریکا را دارند و آماده همکاری با دولتهای متخاصم هستند، چگونه در همین شرایط چشم به انتظار توافق با ایران هستند، چیزی که مشخصاً در مورد حزب دمکرات در همین چند ماهه اخیر گفته شده است.

**خالد حاج محمدی:** من مطلقاً اینها را تناقص نمیدانم. چه حزب دمکرات به عنوان حزب اصلی ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران و چه سایر شاخه های این جنبش، در ایران و در کل منطقه، خواهان توافق با دولت مرکزی و شرکت در قدرت هستند. آنها میخواهند در قدرت سیاسی، دولت مرکزی، سهیم شوند و نام این سهم خواهی را میگذارند حقوق "کردها" و تلاش میکنند این سهم خواهی را به بی حقوقی مردم کردستان آویزان کنند. برای این نیروها این سهم خواهی را از هر کانالی که قابل تأمین باشد، دنبال میکنند. اگر دولت مرکزی، و اینجا جمهوری اسلامی، چهار مطالبه فرهنگی و... آنها را تأمین کند و مهمتر اگر روسای این احزاب به عنوان مقامات محلی دولت مرکزی در کردستان سر کار باشند و قدرت محلی و تصمیماتی به آنها واگذار شود، با جمهوری اسلامی آشتی میکنند. این هدف حزب دمکرات از روز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تا امروز بوده است و علناً هم به نام خودمختاری، خود گردانی و اکنون هم به نام فدرالیسم بیان میکند. دشمنی آنها با جمهوری اسلامی بر اساس بی سهمی آنان از قدرت سیاسی و اقتصادی است و نه فقر و استثمار و زن ستیزی و استبداد و حتی قوانین اسلامی، اگر سهم آنها داده شود با بقیه مسائل مشکلی ندارند. حاکمیت مورد نظر آنها از نظر اقتصادی و

فکر نکنم هیچ انسان شرافتمندی ارزشی برای سخنان ایشان و یا سخنان نتانیاهو که او هم مردم ایران را خطاب قرار داده بود قائل باشد. کسانی که در مقابل چشم جهانیان دهها هزار انسان را قتل عام کردند در موقعیتی نیستند که با مردم کردستان یا ایران اعلام دوستی کنند. اعلام دوستی سران دولتی که تمام تاریخشان با خون و ترور و جنایت، با کشتار و اشغال خانه و زمین و کاشانه مردم محروم فلسطین، نوشته شده است، با مردم کردستان یا ایران، عکس العملی جز نفرت و بیزاری نداشته و ندارد. تنها دلیلی که مردم در ایران در اعتراض به این بیشرمی و وقاحت در آویزان کردن این جانیمان به جنبش آزادیخواهانه خود به خیابانها نمیریزند، وجود حاکمیتی است که از این اعتراض به نفع خود استفاده میکند. مردم در ایران در هر دو سنگر علیه ارتجاع حاکم در ایران و جانیمان حاکم در اسرائیل میجنگند.

مخاطب این پیامها خیلی روشن متحدین آنها در میان گروههای مرتجع و از جنس خود آنها و تلاش برای سرمایه گذاری روی آنها، استفاده ابزاری از آنها برای انجام پروژه های خود در کشمکش با جمهوری اسلامی است. این پیامها و استقبال بخشی از اپوزیسیون از آن اعلام آمادگی دو طرف در معامله برای دستیابی به اهداف خود زیر پرچم دروغین دفاع از مردم ایران است.

باید توجه داشت که در سه دهه گذشته، خصوصاً بعد از حمله به عراق و اشغال افغانستان و عوارض آن برای آمریکا و انگلستان و... در سیاست دول غربی پدیده جنگ نیابتی به جای لشکر کشی و به کشتن دادن سربازان خود، به سیاستی جدی تبدیل شده است. در سوریه "ارتش آزاد سوریه" را نه علیه بشار اسد که علیه جنبش آزادیخواهانه مردم سوریه ساختند، جنگ با روسیه را با اتکا به اوکراین پیش میبرند و در حقیقت اسلحه از غرب و کشته ها از مردم اوکراین. امروز جنگ نیابتی در خاورمیانه نه تنها توسط آمریکا و... که توسط دول منطقه هم دنبال میشود. ایران و اسرائیل هر دو در منطقه تلاش کرده اند در این زمینه کار کنند و مستقل از شبکه های جاسوسی و تروریستی خود، نیروهایی را برای جنگ نیابتی سازمان بدهند. ایران در سالهای گذشته در پا گرفتن جریانات شیعه در عراق نقش جدی ایفا کرده است که حشد الشعبی یکی از آنها است و در تخاصمات با عربستان کمک زیادی به حوثی ها کرد. ترکیه، عربستان، قطر و... همه سعی کرده اند عوامل و نیروهایی را در کشورهایی که با آنها مشکل دارند، سازمان دهند، مسلح کنند و در خدمت خود قرار دهند. اکنون یک پای جدی جنگ ویرانگر در سودان که در مدت یک سال و چهار ماه ۱۵۰ هزار نفر کشته و بیش از ۱۰ میلیون نفر آواره اند، امارات متحد عربی، که بدون اوکی آمریکا انگشت در آب نمیکند، است، بدون اینکه حتی سربازی به جنگ فرستاده باشد. عربستان و جمهوری اسلامی در دوره تشدید تخاصمات شان، یکی اپوزیسیون کرد را از جمله حزب دمکرات و... به کار میگرفت و ماموریت "نا امن کردن کردستان" را به آنها داد (حزب دمکرات آنرا "راسان" نام گذاشت) و دیگری حوثی ها را با حمایت همه جانبه سیاسی و نظامی خود به جان عربستان انداخت.



ادامه... بازی با کارت "مسئله کرد" در .....

رفاه عمومی تفاوتی با جمهوری اسلامی ندارد. یکی از رهبران آنها به روشنی گفته بود مردم کردستان ترجیح میدهند پلیس و زندانبان شان کرد باشد و خواهان زندانبانی برای کرد زبانان هستند. در نتیجه جنگ و دعوی آنها جنگ و دعوی کارگر و زنان و نسل جوان آزادیخواه و اقشار محروم جامعه با جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران نیست.

از این نظر برای نیروهای ناسیونالیست کرد آشتی با جمهوری اسلامی، با دولت اردوغان و هر دولت حاکمی، علیرغم هر درجه از توحش و جنایت، به شرط دادن سهمی از قدرت به آنها، مانعی ندارد. اگر این سهم در توافق با دولت مرکزی تامین نشود، با هر دولت متخاصمی میتوانند وارد همکاری شوند تا حکومت مرکزی زیر فشار قرار بگیرد، به این امید که در موقعیت ضعف به مطالبات آنها تن در دهد و با آنها آشتی کند. این سیاست همیشگی نیروهای ناسیونالیست کرد بوده است. اینها همگی تاریخی از همکاری با دولتهای مختلف را، حتی علیه هم، داشته و دارند. حزب دمکرات دوره ای با عربستان همکاری کرد، همیشه آماده همکاری با دول غربی بوده است، آماده همکاری با اسرائیل و هر دولتی در منطقه است. اینرا رسماً اعلام کرده اند. این حزب همزمان همیشه آماده همکاری و توافق با جمهوری اسلامی بوده و هست. خیلی طبیعی است در این دوره که ایران و اسرائیل در مقابل هم قرار گرفتند و خطر جنگ منطقه ای با ایران بالا گرفته است، همزمان با چراغ سبز نشان دادن به اسرائیل و امریکا، به فکر مذاکره با ایران افتاده باشد، با این فرض که جمهوری اسلامی در موقعیت ضعفی است و ممکن است به مذاکره و توافق تن بدهد. بقیه گروههای ناسیونالیستی در ایران مستقل از موقعیت شان، همان اهداف حزب دمکرات را دنبال میکنند. در نتیجه تناقضی موجود نیست و ادامه سیاستی است که دارند.

پ ك ك كه كه سنگ دفاع از "کرد" در منطقه را به سینه میزند و دوره ای پرچمدار "کردستان بزرگ و یکپارچه" بوده است، با جمهوری اسلامی همکاری میکند. حزب دمکراتیک سوریه که متحد پ ك ك است عملاً زیر نظر نیروهای آمریکا در سوریه کار میکند. جریان بارزانی و طالبانی که در عراق در قدرت اند، هر کدام حامی یکی یا دو تا از دولتهای مرتجع و جنایتکار منطقه هستند.

در نتیجه کارت "کرد"، پرچم "کردها" و کردستان و سوگند خوردن به بی حقوقی "کردها"، همگی اسم رمز سهم خواهی بورژوازی کرد، یا بخش ناراضی آن در اپوزیسیون از دولت مرکزی است. رقبای جمهوری اسلامی هم با علم به همین حقیقت، میکوشند ضد انسانی ترین سیاست خود در تقابل و تخصصات خود با جمهوری اسلامی را به پرچم "کرد" و "مظلومیت کردها" آویزان کنند. توجه کنید که امروز ایران، ترکیه و دهها دولت مرتجع در دنیای عرب همگی پرچم بی حقوقی مردم فلسطین را بلند کرده اند و اهداف خود و منافع خود را زیر این پرچم دنبال میکنند.

**نینا:** این پدیده فقط به مسئله کرد در ایران ختم نمیشود، اسرائیل مشخصاً در این میانه روی مسئله بی حقوقی کردها در ترکیه هم تاکید کرده است. همزمان با این دولت ترکیه و دو حزب ناسیونالیست حاکم ترکیه ضرورت برادری "ترکها و کردها" را مطرح کرده اند. آنها اخیراً امکان دیدار با عبدالله اوجلان را فراهم کردند و پیام اوجلان مبنی بر پایان جنگ پ ك ك و دولت ترکیه و اینکه اگر او را آزاد کنند، این معضل را حل میکند و آشتی را تامین میکند، مطرح کرده است. این مسئله از نظر شما کجای این تحولات قرار میگیرند و دلایل آن چیست؟

**خالد حاج محمد:** این پدیده به بحث مستقل و مفصلی احتیاج دارد که پرداختن همه جانبه به آن اینجا ممکن نیست. من تنها به نکاتی اشاره خواهم کرد. در مورد اسرائیل هدف بسیار روشن است. تخصصات ترکیه و اسرائیل در این دوره مقداری بالا گرفته است و اسرائیل نیز با کارت مسئله کرد علیه دولت ترکیه بازی میکند. همچنانکه گفتم بحث بی حقوقی مردم کرد زبان توسط روسای دولت اسرائیل به عنوان دولتی که در کشتار مردم فلسطین در ۷۶ سال گذشته از هیچ جنایتی دریغ نکرده است و در ۱۴ ماه گذشته حمام خون از جنایت و کشتار مردم فلسطین راه انداخته است، مشمئز کننده است.

دولت ترکیه نیز هر زمان نیاز داشته است بحث توافق با پ ك ك را مطرح کرده است و پ ك ك هم در چند دوره با آن توافق کرده است و این توافق در نیمه راه، اساساً توسط دولت ترکیه، به بن بست رسیده است. شخص عبدالله اوجلان بارها از زندان پیام داده است و برای توافق با ترکیه و قانع کردن نیروهای پ ك ك برای پایان جنگ مسلحانه با دولت ترکیه و قبول خلع سلاح اعلام آمادگی کرده است. البته باید این امر که اوجلان در زندان است را بعنوان يك فاکتور، در مورد وی به مثابه يك زندانی و اینکه در چه شرایطی چنین وعده هایی را میدهد، در نظر گرفت.

بهرحال دولت ترکیه علیرغم همه تلاشهای تا کنونی در سوریه و عراق و ترکیه علیه پ ك ك و لشکر کشی و صرف مخارج سنگین به اهداف خود مبنی بر از بین بردن پ ك ك و در سوریه الحاق بخشی از سرزمینهای و مناطق کرد زبان به کشور ترکیه و ... و نهایتاً تبدیل به قدرت بزرگ منطقه ای نرسید. در سوریه با اتمام جنگ غرب و شکست آنها در ساقط کردن حکومت اسد، عقب نشینی آنها و شکست داعش و "ارتش آزاد سوریه"، دولت ترکیه ناچار است به توافقی با روسیه و دولت سوریه برسد. ترکیه نمیتواند بیش از این مناطقی را در سوریه به نام مبارزه با پ ك ك در تصرف داشته باشد. به نظر من این امر و وضع بحرانی خود ترکیه، ناکامی های تا کنون و ناامنی در این مملکت که يك پای آن پ ك ك است، خنثی کردن پ ك ك را در دستورشان گذاشته است.

در این رابطه فقط به مولفه هایی در رابطه با نیاز دولت ترکیه به خنثی کردن پ ك ك اشاراتی کوتاه میکنم. اول اینکه خلع سلاح پ ك ك و دادن امتیازاتی به آنها به عنوان يك نیروی سیاسی و آزادی اوجلان، در صورتیکه متعهد به پایان مبارزه مسلحانه با دولت ترکیه باشد، برای ترکیه يك پیروزی است و در چنین شرایطی میتواند جوابی به کاهش معضلات اش باشد. دوم اینکه در حال حاضر پ ك ك به ابزاری در دست ایران تبدیل شده و

ادامه... بازی با کارت "مسئله کرد" در .....

دوران اخیر بشدت آموخته اند و از خودآگاهی بالایی برخوردارند. آنها در چندین خیزش خود علیه جمهوری اسلامی با صراحت و روشنی دست رد به دخالت دولتها در فضای سیاست ایران، به نام مخالفت با جمهوری اسلامی، زدند. مردم کردستان هیچ زمانی خواهان دخالت دولتهای مرتجع در کردستان، از کانال احزاب ناسیونالیست کرد، نبوده اند. جنگ امریکا و اسرائیل با ایران که این احزاب به آن امید بسته و خواهان آنند، از نظر این مردم تبدیل ایران به سوریه و عراق و لیبی و حتی بدتر از آن است و این را به زیان مبارزه خود میدانند. همکاری های حزب دمکرات با عربستان و برنامه مبارزه مسلحانه آنها به نام "راسان" از جانب مردم کردستان ایران و حتی بخش جدی از پایه اجتماعی ناسیونالیسم کرد جواب رد گرفت. جامعه کردستان و سطح شعور و آگاهی آنها بسیار بالاتر از این است که همکاری این نیروها با اسرائیل، امریکا و ... به نام مبارزه با جمهوری اسلامی را بعنوان بخشی از مبارزه آزادیخواهانه خود قبول کنند و چنین سیاستی بیش از همیشه آبرویی برای این احزاب نخواهد گذشت. اینها از سر استیصال و در ماندگی شعور مردم آزادیخواه کردستان را دست کم گرفته اند. قطعاً هر نوع همکاری آنها با دول منطقه و اکنون اسرائیل لطمه ای جدی به مبارزات آزادیخواهانه در ایران و کردستان است و کردستان را به میدان بازی یکی از جنایتکارترین دولتهای تاریخ بشر بر دوش این احزاب تبدیل میکند.

به نظر من توافق با جمهوری اسلامی برای این جریانها در شرایط کنونی محتمل نیست. چرا که جمهوری اسلامی امتیازاتی به آنان نمیدهد، هر چند این سیاست همیشه مورد نفرت مردم آزادیخواه در کردستان بوده است. اما جمهوری اسلامی در شرایط کنونی ممکن است با وعده هایی به حزب دمکرات مخاطره همکاری این حزب مثلاً با اسرائیل را خنثی کند.

مستقل از این نه توافق با جمهوری اسلامی که احتمالش کم است و نه همکاری با اسرائیل یا امریکا و تبدیل احزاب ناسیونالیست کرد به بازوی نیابتی آنها در کردستان ایران، در میان طبقه کارگر و اقشار محروم، در میان زنان و نسل جوانی که آزادی زن و عدالت و برابری را میخواهند، جز بی اعتباری بیشتر آنها نتیجه ای ندارد. واقعیت این است که مردم آزادیخواه در کردستان و در ایران تا کنون دست رد به سینه همه آلترناتیوهای زده اند که توسط جریانها راست اپوزیسیون از رضا پهلوی و هوادارانش تا مجاهد و این احزاب دنبال شده است. آنچه جنبش آزادیخواهانه در ایران تا کنون دنبال کرده است، سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به نیروی خود آنها است.

9 آذر 1403

متحد جمهوری اسلامی است. هر چند ایران و ترکیه با هم در جنگ نیستند و اما دفاع رسمی پ ک ک از ایران برای ترکیه زنگ خطری است. سوم اینکه برنامه گسترش نفوذ اقتصادی چین در منطقه و خط زمینی امن، جاده ابریشم، در این منطقه برای بهبود اقتصادی ترکیه فاکتور مهمی است که خنثی کردن پ ک ک و امن نگاه داشتن این خط در استراتژی ترکیه برای مقابله بحران عظیم اقتصادی نقش مهمی خواهد داشت.

برای پ ک ک هم چند فاکتور قابل توجه است. اول اینکه کردستان سوریه برای ادامه کاری و حضور پ ک ک قابل اتکا نیست و به همین دلیل نیروهای ناسیونالیست کرد سوریه در حال حاضر زیر نظر و چتر حمایتی امریکا هستند. هر زمان امریکا مجبور شود منطقه را خالی کند آنها راهی جز توافق با دولت اسد ندارند و طبیعتاً آینده و سرنوشت آنها برای دولت امریکا سر سوزنی ارزشی ندارد. حضور آنها در کردستان عراق با محدودیتهایی روبرو شده است و با استحکام موقعیت دولت مرکزی در عراق امکان مانور پ ک ک هر روز کمتر میشود.

آزادی اوجلان به عنوان رهبر بلامنازع پ ک ک پدیده مهمی است و در صورت توافق اوجلان با پایان مبارزه مسلحانه، سایر اعضا رهبری این جریان زیر فشار جدی قرار میگیرند. مستقل از اینکه چنین توافقی با دولت مورد قبول همگان در صفوف پ ک ک نیست و اختلافاتی بر سر آن دارند، اما مشکل پ ک ک در توافق با ترکیه غیر قابل اعتماد بودن دولت حاکم است که روی هیچ وعده او نمیتواند حساب کنند.

در این میان مسئله سرمایه گذاری اسرائیل روی پ ک ک، میتواند وزنه را به درجه ای به نفع پ ک ک برای معامله و امتیازگیری تغییر دهد.

بهرحال پ ک ک و دولت ترکیه هر یک به نحوی با برگ مسئله کرد یا حقوق مردم کردستان ترکیه بازی میکنند.

**نینا: به ایران برگردیم. اوضاع کنونی و تلاش احزاب و گروههای ناسیونالیستی کرد در توافق با دول منطقه از جمله اسرائیل و همکاری با آنها و یا توافق با جمهوری اسلامی چه انعکاسی در فضای کردستان ایران خواهد گذاشت.**

**خالد حاج محمدی:** همانطور که در سوال اول اشاره کردم جامعه ایران و فضای آن خیلی رادیکال و پیشرو است. مردم ایران عموماً و طبقه کارگر و زنان، اقشار محروم از معلم و پرستار تا بازنشسته و نسل تحصیل کرده طبقه کارگر در تحولات گذشته و

**سوسیالیسم خلاصی کامل انسان از هر نوع محرومیت و اسارت و غلبه او بر مقدرات اجتماعی و اقتصادی خود است. اما همه اینها تنها با از میان بردن سرمایه، بعنوان قدرتی خارج از کنترل تولید کننده مستقیم و تقابل آن با کارگر مزد بگیر، مقدور**

# نینا

نشریه دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

نینا را بخوانید و دیگران نیز توصیه کنید



صدای آزادی، صدای برابری

نینا

بخش برنامه های نینا از کانال یک

برنامه های رادیو نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد

از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک

بخش می شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

تماس با حزب

دبیر خانه حزب:

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

[Khaled.hajmohamadi@gmail.com](mailto:Khaled.hajmohamadi@gmail.com)

مسئول تشکیلات خارج: امان کفا

[Aman.kafa@gmail.com](mailto:Aman.kafa@gmail.com)

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[Mohammed.rasti1954@gmail.com](mailto:Mohammed.rasti1954@gmail.com)

سر دبیر کمونیست: احمد مطلق

[amotlagh28@gmail.com](mailto:amotlagh28@gmail.com)